

ادای دین به مصطفی بن عبدالله معروف به حاج خلیفه یا کاتب چلبی کتابشناس بزرگ تُرک

اثر: دکتر توفیق ه. سبحانی*

چکیده:

مصطفی بن عبدالله معروف به کاتب چلبی و حاج خلیفه از کتابشناسان بزرگ قرن یازدهم هجری / هفدهم میلادی است. بیشتر آثار او به تاریخ و جغرافیا اختصاص دارد، اما شهرت عمده او در میان کتابشناسان به سبب تألیف کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون است. حاج خلیفه در این اثر خود قریب ۱۵ هزار کتاب و رساله را معرفی کرده و حدود ۱۰ هزار نام مؤلف و شارح را در کتابش آورده است. کاتب چلبی، کتاب خود را به دو دلیل به زبان عربی تألیف کرده است. نخست آنکه اکثر اسامی کتب و مؤلفان آنها به عربی است، و دوم آنکه زبان عربی در روزگار وی، زبان علمی تلقی می‌شد. کتاب حاج خلیفه در مورد کتابهای ایرانی و فارسی هم یکی از مآخذ عمده است. سُلّم الوصول هم از آثار عمده اوست که هنوز به صورت خطّی باقی مانده است. هر دو کتاب مربوط به کتابشناسی را حاج خلیفه به ترتیب الفبایی فراهم کرده است. جمله آغاز هر کتاب و رساله را آورده و در این باب او مبتکر بوده است.

* عضو هیأت علمی دانشگاه پیام نور

کتابداری / دفتر ۳۱-۳۰، ۱۳۷۸

تا جایی که می‌دانیم اولین کتابی که دربارهٔ دانشها و کتابهای گوناگون و مؤلفان آنها اطلاعاتی به دست داده است، *فهرست الکتب* است از ابوالفرج محمدبن اسحاق معروف به ابن الندیم، که تا سال تألیف یعنی ۳۷۷هـ/۹۸۷ کتب ترجمه شده به عربی و کتب عربی را با ترجمهٔ احوال مؤلفان آنان در کتاب خود گردآورده است. کتاب او به *الفهرست* معروف است.^۱ ابن ندیم در سال ۳۵۸ هـ در گذشته و گویا کتابش را در قسطنطنیه به پایان رسانده است.^۲

البته در احصاء علوم، ابونصر فارابی (م ۳۳۹ هـ) بر ابن ندیم تقدّم دارد. فارابی کتابی به نام *احصاء العلوم* تدوین کرده تا دانش پژوهان موضوع هر دانشی را نیک بشناسند و از فایده و نتیجهٔ آن با خبر شوند.^۳

پس از این دو تن دانشمندان زیادی در انواع علوم و موضوعات گوناگون، کتبی تألیف کرده‌اند که اشاره به نامدارترین آنان بی‌فایده نیست:

در حدود نیمهٔ قرن چهارم هجری / دهم میلادی، شعیابن فریغون، کتابی به نام *جوامع العلوم* را برای امیرابوعلی احمدبن محمد بن مظفر از آل محتاج تدوین کرده است.^۴

اخوان الصفا و خُلقان الوفا هم دایرةالمعارف ماندی در ۵۲ رساله، یک مقدمه و یک خلاصه به نام *رسائل اخوان الصفا* فراهم آورده‌اند که دربارهٔ ریاضی، طبیعی، فلسفه و جز آن است. محققان معتقدند که این رسائل بین سالهای ۳۵۰ تا ۳۷۵ هـ. ق. فراهم آمده است.^۵ این رسائل به نام *مجمّل الحکمه* در اوایل قرن نهم هجری ترجمه شده است.^۶

ابوعبدالله محمدبن احمدبن یوسف خوارزمی (م ۳۸۷ هـ / ۹۹۷ م) کتابی به نام *مفاتیح العلوم* تألیف کرده و در آن موضوعات علوم را مشخص کرده است. وی در نیشابور به خدمت عتبی، وزیر امیرنوح دوم سامانی پیوست و کتاب خود را به وی اهدا کرد.^۷ در مقالهٔ اوّل از فقه، کلام، نحو، کتابت، شعر، عروض و تاریخ، و در مقالهٔ دوم از فلسفه، منطق، طب، حساب، هندسه، موسیقی، نجوم، حیل، و کیمیا بحث کرده است و همهٔ اصطلاحات این علوم را بازگفته است.

ابن سینا (م ۴۲۸ هـ / ۱۰۳۶ م) کتابی دربارهٔ علوم عقلی و اقسام آن تدوین کرده

و آن را اقسام العلوم العقلیّه نامیده است. ظاهراً ابن سینا در تألیف آن به احصاء العلوم فارابی نظر داشته است.^۸

امام فخررازی (م ۶۰۶ هـ / ۱۲۰۹ م) کتابی به نام حدائق الانوار فی حقائق الآثار در شصت و دو دانش تدوین کرده که آن را جامع ستّینی هم خوانده‌اند و در بعضی مآخذ جامع العلوم نیز خوانده شده، رازی کتاب را به علاءالدین خوارزمشاه تقدیم داشته است.^۹

در سده ششم هجری، دانشمندی ناشناس کتابی به نام یواقیت العلوم و دراری النجوم تألیف کرده، این کتاب را به امام محمد غزالی و امام فخر رازی هم نسبت داده‌اند.^{۱۰}

حمدالله ابوبکر مستوفی قزوینی (م ۶۸۰ هـ) دایرةالمعارفی به نام نزهة القلوب در جغرافیا تألیف کرده است.^{۱۱}

قطب الدّین شیرازی (م ۷۱۰ هـ / ۱۳۱۰ م) کتابی به نام درّة التاج لغرّة الدّباح را به نام امیر دّباح از حکام گیلان درباره همه علوم تألیف کرده است که آن را انموذج العلوم هم می خوانند.^{۱۲}

شمس الدین محمد بن محمود آملی نفائس الفنون فی عرایس العیون خود را در شصت و سه فنّ به سال ۷۳۶ آغاز کرده و در ۷۴۲ هـ به پایان رسانده است.^{۱۳}

ارشاد القاصدالی اسنی المقاصد، تألیف شیخ شمس الدین محمد بن ابراهیم بن ساعد انصاری سنجاری (م ۷۹۴ هـ / ۱۳۹۱ م) کتابی است درباره انواع علوم و تقسیمات آنها که بعدها مورد استفاده طاشکبری زاده بوده است.^{۱۴}

ابن خلدون (م ۷۸۴ هـ / ۱۳۸۲ م) در مقدمه خود علوم را تقسیم بندی کرده، که تقسیم بندی او با مفاتیح العلوم خوارزمی فرق چندانی ندارد.^{۱۵}

جلال الدین دوانی (م ۹۰۸ هـ / ۱۵۰۲ م) نیز کتابی به نام انموذج العلوم دارد که علوم گوناگون را در آن تصنیف کرده است.^{۱۶}

در میان آل عثمان هم، عبدالرحمن بسطامی (م ۸۵۸ هـ / ۱۴۵۴ م) کتابی به نام موضوعات العلوم درباره صد دانش تدوین کرده است. این دانشمند متصوّف آثار متعدّد دیگری هم دارد که خود در رساله خطّی یکی از آثارش به نام درّة التاج

الرسائل و غرة المنهاج الوسائل که نسخه‌ی بی از آن به شماره ۴۹۰۵ در کتابخانه نور عثمانیه استانبول محفوظ است، اشاره کرده است.^{۱۷}

باز از میان آل عثمان، ملاً لطفی معروف به صاری لطفی که در سال ۹۰۰ هـ / ۱۴۹۴ م اعدام شده، و ماده تاریخ «خلاف واقع بود» و «لقد مات شهیداً» درباره مرگ او ساخته‌اند^{۱۸}، کتابی به نام مطالب الالهیه برای سلطان بایزید دوم تألیف کرده است. جلال‌الدین سیوطی، معاصر ملالطفی که در ۹۱۱ هـ / ۱۵۰۵ م در گذشته، کتابی به نام النقایه در موضوعات علوم تدوین کرده و کتاب دیگری در شرح آن به نام اتمام الدرّایه تألیف کرده است.^{۱۹}

عصام الدّین احمد، معروف به طاشکیری زاده (م ۹۶۸ هـ / ۱۵۶۰ م) کتابی به نام مفتاح السّعادة و مصباح السیاده درباره پانصد موضوع علوم و مؤلفان آنها تدوین کرده است که یکی از جامعترین و مفیدترین کتب در این زمینه است. عصام الدّین بعد از مقدمه‌ی درباره فضیلت تعلیم و تعلّم و شرایط آن، کتاب را به شش قسم تقسیم کرده و هر بخشی را دوحه خوانده است. در دوحه اول همانند ابن ندیم درباره خط و فنون مربوط به آن بحث می‌کند، دوحه دوم را به علوم مربوط به الفاظ اختصاص می‌دهد، کتب مربوط به این باب و مؤلفان آنها از قبیل شاعران، عروضیان، منشیان، لغت دانان، نحویان، قاریان، مورّخان و کتب تاریخ سخن می‌گوید. در دوحه سوم از منطق، آداب درس جدل، خلاف و کتابهایی که در این باب تألیف شده سخن به میان می‌آورد. در دوحه چهارم از علوم مربوط به حکمت، کلام، تاریخ مذاهب، طب، فلاحت و فنون دیگر مباحثی را مطرح می‌کند، در دوحه پنجم از اخلاق، تدبیر منزل و علوم دیگر مانند تفسیر، حدیث، قرائت، فقه و جز آن و کتابهایی که در این بابها تألیف شده سخن می‌آورد. دوحه ششم را به تصوّف اختصاص می‌دهد و کتابش را به پایان می‌رساند.^{۲۰}

محمد امین بن صدرالدّین شیروانی (م ۱۰۳۶ هـ / ۱۶۲۶ م) نیز در دوره عثمانیان کتاب فواید الخاقانیه را در موضوعات علوم برای سلطان احمد اول تألیف کرده است.^{۲۱}

کاتب چلبی پس از این کتابشناسان و دانشمندان چشم به جهان گشوده است. از

اینان الهام گرفته و از کتابهای آنها بهره جسته و خود آثار فراوان بر جای نهاده است. اینک به بحث کوتاه دربارهٔ حیات وی می‌پردازیم^{۲۲} و سپس آثار او و محتوای آنها را به اختصار بررسی می‌کنیم:

نامش مصطفی و نام پدرش عبدالله است. او در خاتمهٔ بعضی آثار خود مانند *سَلْم الوصول و میزان الحق* از زندگانی خود نیز سخن گفته و در دیگر کتابهایش مانند *فذلکه، جهان نما و کشف الظنون* به مناسبت، خاطراتی از حیات خود را آورده است. هر چند این گونه نوشته‌ها چندان زیاد نیست، اما از نظر روشن کردن حیات وی اهمیت دارد. اگر این اطلاعات یکجا گرد آیند، زندگی وی، روش کار و آثار او درون چارچوبی قرار می‌گیرد.

او برخلاف عرف نام جدّ خود را قید نکرده است. می‌نویسد که در میان علمای شهر به نام کاتب چلبی و در بین همقطاران به نام حاجی خلیفه شهرت دارد. به گفتهٔ مادرش وی در ذی‌العقدهٔ سال ۱۰۱۷ هـ / فوریهٔ ۱۶۰۶ م در استانبول به دنیا آمده است، منزل خانوادهٔ وی هم در استانبول بوده است. پدرش عبدالله در اندرون (دربار) به کار مشغول بود و از سلاحداران بود. در مجلس مشایخ و علما شرکت می‌کرد و مردی دیندار بود.

مصطفی پنج یا شش ساله بود که پدرش امام عیسی خلیفه قریمی را برای او معلّم گرفت، او از این معلّم قرائت قرآن، تجوید و آداب نماز آموخت. سپس در دارالقرّای مسیح پاشا آنچه را که از امام عیسی آموخته بود از برکرد. بعد پیش زکریّا علی ابراهیم افندی و نفّس‌زاده به تعلّم پرداخت و قرآن را تا نیمه حفظ کرد. بعدها از خواجه الیاس صرف و نحو عربی آموخت و از خطاطی به نام احمد چلبی خط فراگرفت. چهارده ساله بود که پدرش از حقوق خویش ماهانه چهارده درهم وظیفه تعیین کرد و او را پیش خود به کارگماشت و بدین سان او در دفتر محاسبهٔ آناتولی به کار مشغول شد. علم سیاق را یاد گرفت. در سال ۱۰۳۳ هـ / ۱۶۲۴ م هنگامی که سپاه عثمانی برای فرونشاندن عصیان ابازه پاشا از استانبول حرکت می‌کرد، مصطفی به همراه پدرش در معیت آن سپاهیان بود. وی در این جنگ فرصت یافت که از جایی بلند جنگ مغلوبه را نظاره کند. در سال ۱۰۳۵ هـ / ۱۶۲۵-۱۶۲۶ م در

جنگ بغداد شرکت مجست. در اثنای نُه ماه محاصره آداب حرب را تجربه کرد. به سبب شکست از دشمن او و یارانش دچار قحطی شدند و سختیهای فراوان کشیدند. اما رنجی که شامل حال همه شود چون عید خوشایند است. از آنجا به موصل آمد و در همان سال پدرش را در موصل از دست داد. یک ماه بعد عمویش هم در جراحلو وفات کرد. مصطفی ناگزیر به دیار بکر رفت، در آنجا یکی از دوستان پدرش او را به جرگه سواره نظام وارد کرد. مصطفی در سال ۱۰۳۷ هـ / ۱۶۲۷-۱۶۲۸ م در ارزروم بود. در راه توقات بار دیگر با قحطی و سرما مواجه شد. دستها و پاها ی بسیاری از همقطاران یخ زد و بریده شد و عده زیادی هم مردند. در سال ۱۰۳۸ هـ / ۱۶۲۸-۱۶۲۹ م به استانبول آمد و در حلقه درس قاضی زاده^{۲۳} شرکت کرد. قاضی زاده نفوذ کلام داشت، از آن رو مصطفی تحت تأثیر او قرار گرفت و دروسی را که قبلاً آموخته بود با او به بحث پرداخت. تا سال ۱۰۳۹ هـ / ۱۶۲۹-۱۶۳۰ م که می بایست به همراه خسرو پاشا در نبردی شرکت کند، به حضور در حلقه درس قاضی زاده ادامه داد. در همان سال همراه خسرو پاشا در جنگ بغداد و همدان شرکت کرد. خاطرات این جنگ را در *جهان نما و فذلکه* نقل کرده است. در سال ۱۰۴۱ هـ / ۱۶۳۰-۱۶۳۱ م بار دیگر به استانبول بازگشت و در درسهای قاضی زاده شرکت کرد. در سال ۱۰۴۳ هـ / ۱۶۳۴ م به همراه محمد پاشا صدر اعظم جزو سپاهیان به حلب رفت و از حلب سفر حج به جای آورد، چون خلیفه یا قلفه، یعنی کاتب^{۲۴} بود، حاجی خلیفه خوانده شد. در بازگشت به سبب توقف سپاه عثمانی در حلب، او نیز زمستان را در این شهر گذراند و با علمای آن شهر به مصاحبه و مباحثه پرداخت. در سال ۱۰۴۴ هـ / ۱۶۳۴ م به همراه سلطان مراد چهارم در جنگ روان شرکت کرد. ده سال از حیات وی با شرکت در جنگهای گوناگون سپری شد. سرانجام به استانبول بازگشت و عمر خود را وقف علم کرد. از میراث مختصری که برایش مانده بود. کتابخانه یی خرید. زمانی که در حلب بود، کتابهایی را در مغازه صحافان شهر می دید، اسامی آن کتابها را می نوشت. در اعماق دلش علاقه یی به مطالعه کتب تاریخی و ترجمه احوال رجال نامی داشت. در سال ۱۰۴۳ هـ / ۱۶۳۳ م به سبب مرگ یکی از خویشاوندان ثروتمندش ارثیه یی به وی رسید. او سه چهارم

آن ارثیه را صرف خرید کتاب کرد و از یک چهارم باقی مانده در میانه راه مسجد فاتح و مسجد سلطان سلیم، منزلی برای خود ساخت. و در همان سال ازدواج کرد، اعرج مصطفی افندی را به استادی خود برگزید و در درسهای او شرکت کرد. اعرج هم کاتب چلبی را مورد عنایت خاص خود قرار داد و او را برتر از دیگر شاگردانش گرفت، به کاتب چلبی عروض و نجوم و علوم دیگر آموخت. در سال ۱۰۴۹ هـ / ۱۶۲۹-۱۶۴۰ م از محضر عبدالله، مدرس علوم دینی ایاصوفیه و کچی محمد افندی، مدرّس علوم دینی سلیمانیه بهره مند شد. در سال ۱۰۵۲ هـ / ۱۶۴۲-۱۶۴۳ م از استادانی دیگر مانند واعظ ولی افندی و بعدها از ملا ولی الدین افندی، مفتی ارمناک، فقه و منطق آموخت. حدود ده سال دیگر شب و روز خود را به تحقیق و بررسی مشغول شد. او در حال مطالعه خود را از یاد می برد. شمع اتاقش از غروب آفتاب تا طلوع آن روشن بود. در این مدّت طلاب نیز از محضر او استفاده می کردند. در سال ۱۰۵۵ هـ / ۱۶۴۵ م به سبب بروز جنگ گریت، همه نقشه های جغرافیایی و نحوه تهیه نقشه را مطالعه کرد. پس از بیست سال خدمت به دلیل امتناع دولت از ترفیع از مقام خود کناره گرفت و قریب سه سال گوشه نشینی اختیار کرد. سرانجام بیمار شد. برای معالجه خود کتب طبّ و دعا و علم الروح را مطالعه کرد. در سال ۱۰۵۷ هـ / ۱۶۴۷ م به پسر خود، و مولانا محمود پسر احمد رومی، حساب، هندسه و نجوم را درس داد و نحوه تهیه تقویم را به آنان آموخت. کاتب چلبی بسیاری از آثار خود را در اواخر حیات خویش تألیف کرده است. او به یاری شیخ محمد اخلاصی بعضی کتابها را از لاتین به ترکی ترجمه کرد. در اواخر سال ۱۰۶۷ هـ / ۱۶۵۷ م روز شنبه ۲۷ ذی الحجّه، در حالی که مشغول صرف صبحانه بود، حالش بهم خورد، فنجان چایی از دستش افتاد و ناگهان درگذشت. در زمان مرگ پنجاه سال بیشتر نداشت.

مزارش بر سر راه مسجد زیرک در کنار سیبیل (چشمه) چسبیده به مکتب قرار دارد. در سال ۱۹۵۳ مزار او را بازسازی کرده اند.

به نوشته معاصران کاتب چلبی، او مردی با همّت، خوشخوی، کم حرف و حکیم مشرب بود. عشاقی زاده نوشته است که کاتب چلبی با هرگونه آدمی

می ساخت. مردی با وقار بود، از شوخی خوشش نمی آمد، در آثار وی هم به مطالب هجوآمیز نمی توان برخورد. خود قید کرده است که عادت به استعمال دخانیات نداشته است. مذهب حنفی و مشرب اشراقی داشت. والاترین مقام برای انسانها را خداشناسی می دانست، معتقد بود که انسان باید بیندیشد که از کجا آمده و به کجا می رود. او در اثنای مسافرتهاى خود به صحافان سر می زد و کتابهایی می خرید. بیشتر به کتب تاریخ و ترجمه احوال علاقه مند بود. خود می نویسد که قریب یکهزار و صد جلد کتاب تاریخی را از نظر گذرانده است. از میان تعاریف علم تاریخ، این تعریف جنّابی^{۲۵} را می پسندید: تاریخ در سلسله جبال علوم به کوهی رفیع مانده است که از فراز آن ممکن است که انسان، نشانِ خداوند، حکمت او، عظمت او، قدرت او و کمال او را بشناسد. کاتب چلبی به جغرافیا هم علاقه داشت. به منظور رفع نقایص کتب جغرافیایی در مشرق زمین، به تألیف جهان نما برخاسته بود. او کتابها را صرافانه و با دیده انتقاد مطالعه می کرده است، هر جا به نکته غیر منطقی بر می خورد در حاشیه کتاب به آن نکته اشاره می کرد. از بعضی کتابهای او استنباط می شود که وی برای رفع نقایص اطلاعات در کتب ترکی و عربی می کوشیده است که به آثار غربی مراجعه کند. به مشکل ترجمه واقف بوده است. زبان لاتین را تا حدّ استفاده از منابع آن فرا گرفته بوده است. گاهی مطالبی را به طور خلاصه از کتب دیگر ترجمه یا نقل کرده است که عقلاً قابل قبول نیست، اما وی در پایان از نوشتن اینکه «لاف و گزافی بیش نیست» ابایی نکرده است. گاهی خطاهای آنان را با عبارت: «حقیر ایدور» و یا «اقول» اصلاح کرده است. به دعا معتقد است و می گوید اگر انسانی که دلی پاک دارد، دعا کند، بیمار شفا می یابد و او این معالجه را «طبّ روحانی» نامیده است. به نجوم اعتقاد دارد، ولی تنجیم را از امور وهمی می شمارد. در جای جای فذلکه به خطاهای نظامی و علتهای آن می پردازد. کاتب چلبی حیات اجتماعی جوامع انسانی را به حیات خود انسان مانند می کند و می گوید که دنیا با کفر سرپا می ماند ولی با ظلم دوامی ندارد.

در تألیف آثار خود، مخصوصاً آثار مربوط به کتابشناسی و ترجمه احوال، از برگه (فیش) استفاده می کرده است. بسیاری از صفحات *سگم الوصول* از چسباندن

برگه‌ها پدید آمده است. به هنگام مراجعه به منابع، مناقب و اظهار نظرهای احساس آمیز را به کنار می‌گذاشته است و بدین نحو نوشته‌های او در این نقطه از نوشته‌های ادبای خاورزمین فاصله گرفته است. روشی که او برای جمع‌بندی اطلاعات اعمال کرده است، تا حد امکان خشک و گاهی دل‌تنگ‌کننده است. طبع و قریحه او که از اطالۀ کلام نفرت داشته، حتی در موارد بسیار فعال و پرجنب و جوش، مثلاً در توصیفِ خاطرات جنگ، به ایجاز گرویده است. به سجع که یکی از ویژگی‌های بارز نثر ترکی در سده‌های پانزدهم یا شانزدهم و هفدهم میلادی / نهم، دهم، یازدهم هجری است، در آثار خود بسیار کم پرداخته است. برای یافتن نمونه سجع در آثار او، اوراق بسیاری را باید ورق زد. به این گونه نمونه‌ها در *فذلکه* در ذیل ترجمه احوال می‌توان برخورد. گاهی یک واقعه تاریخی را در لفاف سجع می‌پیچد و بیان می‌کند. گاهی به جناس و تشبیه نیز برمی‌خوریم. از تعابیر عامیانه هم بهره می‌جوید. کاتب چلبی همان قدر که در ترکیه مشهور است در میان اروپاییان هم شهرت دارد. بابینگر^{۲۶} او را سیوطی عثمانیان خوانده است^{۲۷}.

آثار او:

۱- *اقوال الاخیار فی التاریخ والاخبار*، این کتاب به عربی است و *فذلکه* نامیده

شده است.

کاتب چلبی خود آن را *تاریخ کبیر* خوانده است. *فذلکه التواریخ* هم نام دیگر آن است. کتاب یک پیشگفتار، سه اصل و یک خاتمه دارد. فصل اول درباره قبایل و اقوام است، فصل دوم شهرهایی است که در فصل اول از آنها یاد شده و احوال رجالی که در آن شهرها پرورده شده‌اند، فصل سوم درباره حوادثی است که از آغاز هجرت تا سال ۱۰۰۰ هجری به ترتیب تاریخی مرتب شده است. هنوز خطی است و نسخه‌یی از آن به شماره ۱۰۳۱۸/۴۳۶ در کتابخانه عمومی بایزید استانبول نگهداری می‌شود.

۲- *فذلکه ترکی*، درباره حوادث تاریخی است از ۱۰۰۰ تا ۱۰۶۵ هـ بابینگر نسخ

خطی این کتاب را مشخص کرده است. بسیاری از صفحات نسخه شماره ۱۹۱۴

کتابخانه عاطف افندی در استانبول به خط کاتب چلبی است.

۳- *تحفة الکبار فی اسفار البحار*، در سال ۱۰۵۵ هـ / ۱۶۴۵ م تألیف کرده و درباره تاریخ دریاداری است.

۴- *تقویم التواریخ*، تقویم تاریخ است از هبوط آدم تا سال ۱۰۵۸ هـ، به عربی است. ترجمه‌یی از آن به فارسی در کتابخانه سلیمانیه جزو کتابهای وهبی افندی بغدادی به شماره ۱۳۳۰ نیز در دست است.

۵- *قانون‌نامه*، در کتاب *میران الحق* درباره این کتاب سخن گفته است. این کتاب قانون را بین سالهای ۱۰۶۴-۱۰۶۵ هـ / ۱۶۵۴-۱۶۵۵ م فراهم کرده است.

۶- *ترجمه تاریخ فرهنگ*، ترجمه Chronic است از Johan Carion، بخشی از آن که مربوط به تاریخ اروپاست به همت «شناسی» در روزنامه *تصویر افکار* منتشر شده است. بعضی معتقدند که این کتاب ترجمه تاریخ Chalcondylas است و این نظر خطاست.

۷- *تاریخ قسطنطنیه و قیصریه، رونق السلطنه* هم خوانده شده، کاتب چلبی این کتاب را در وقایعی که در مشرق زمین تا سال ۹۸۷ هـ / ۱۵۷۹ م روی داده از کتب تاریخی برگزیده یا ترجمه کرده است.

۸- *ارشاد الحیاری الی تاریخ الیونان و الروم و التصاری*، به منظور اصلاح خطاهای موجود در کتب تواریخ اسلامی درباره ممالک اروپایی تدوین شده است. بخش اول کتاب به ادیان اروپاییان و بخش دوم آن به عادات و آداب آنان اختصاص داده شده است. به نظامهای حکومتی اروپایی، دموکراسی، آریستوکراسی و جمهوریت اشاره کرده و به مقایسه آن با نظام حکومتی آل عثمان پرداخته است.

۹- *سلم الوصول الی طبقات الفحول*، کتابی است عظیم به عربی، شبیه کتب طبقات علمای عرب که به ترتیب الفبایی مرتب شده است. بخش اول به ترتیب اسامی است. بخش دوم به ترتیب کنیه و القاب است و بخش سوم فواید متفرقه تاریخی است. سال تألیف آن ۱۰۶۲ هـ است. نسخه یگانه آن در کتابخانه شهید علی پاشا، کتابخانه سلیمانیه است. در این کتاب به نقل از مادر خود سال تولد خویش را سال ۱۰۱۷ هـ قید کرده است.

۱۰- جهان نما، در سال ۱۰۵۸ هـ تألیف شده، کتابی بزرگ است بالغ بر ۶۴۸ صفحه بزرگ و از قدیم ترین کتب جغرافیا به زبان ترکی است. این کتاب در سال ۱۱۴۵ هـ به همّت ابراهیم متفرقه به چاپ رسیده است. این کتاب به طور ناقص به وسیله هامر به آلمانی ترجمه شده و در ۱۸۱۲ در وین به چاپ رسیده است.

۱۱- بحرّیه، در بعضی منابع به خطا این اثر به کاتب چلبی اسناد داده شده، این کتاب از جهان نما برداشته شده، درباره منطقه روم ایلی و بوسنی است.

۱۲- لوامع التّور فی ظلمة اطلس مینور، ترجمه اطلس مینور (Minor) است از مرکاتور. Mercator و هوندیوس Hondios که به یاری شیخ محمّد اخلاصی به انجام رسانده است.

۱۳- العام المقدّس فی فیض الاقدس، درباره نماز و روزه در قطبین و مسائل مربوط به آنهاست، درباره نسخ خطی کتاب به مجموعه شماره ۴۰۷۵، ۳۶ ب - آ - ۴۵ ب، کتابخانه مراد ملا، کتابهای حمیدیه، کتابخانه لالاسماعیل افندی، شماره ۶۹۴؛ سلیمانیه، محمود افندی، نسخه شماره ۱۹۳۸ نگاه کنید.

۱۴- تحفة الاخیار فی الحکم و الامثال و الاشعار، کتابی است در محاضرات به ترتیب الفبایی به سه زبان عربی، فارسی و ترکی، نسخه های آن در اسعد افندی، به شماره ۲۵۹۹، و کتابخانه خدیو قاهره به شماره ۷۲۱۹ نگهداری می شود.

۱۵- دُر المنتشره و غرر المنتشره، مجموعه ای است در باب مسائل گوناگون، یگانه نسخه آن به خط مؤلف به شماره ۴۹۴۹ در کتابخانه نور عثمانیه استانبول موجود است.

۱۶- دستور العمل فی اصلاح الحلل، در آیین کشورداری است. کاتب چلبی در سال ۱۰۶۳ هـ / ۱۶۵۲-۱۶۵۳ م علل کمی در آمد و زیادی هزینه دولت را بررسی کرده است. کتاب یک مقدمه، سه فصل و یک نتیجه دارد.

۱۷- رجس الرّجیم بالسّین والجمیم، مجموعه ای است از فتاوی عجیب شیخ الاسلامهای عثمانی به طریق سؤال و جواب. درباره این کتاب به وقایع الفضلاء، تألیف شیخی، در کتابخانه ولی الدّین افندی استانبول، جلد اول، برگ ۱۳۱ نگاه کنید.

- ۱۸- شرح تفسیر بیضاوی، مؤلف در سال ۱۰۵۲ هـ این شرح را آغاز کرده ولی به انجام نرسانده است.
- ۱۹- حسن الهدایه، شرح محمدیه علی قوشچی است که برای سلطان محمد فاتح فراهم کرده بود.
- کاتب چلبی آن را برای پسر خود مولانا محمود تألیف کرده است. تاکنون نسخه‌یی از این کتاب به دست نیامده است.
- ۲۰- جامع المتون، مجموعه‌یی است که از قریب سی کتاب برگزیده و گردآوری کرده است. نسخه‌یی از آن به شماره ۱۷۶۳ در کتابخانه خزینة امانت در توپقاپو سرای موجود است.
- ۲۱- میزان الحق فی اختیار الاحق، آخرین اثر کاتب چلبی است که در ۱۰۶۷ هـ تألیف کرده است. این کتاب درباره مسائل دینی مختلفیه است که در روزگار مؤلف رواج داشته، مؤلف راهی بینابین در حل مسائل در پیش گرفته است.
- ۲۲- گزیده لطایف نگارستان غفاری، این کتاب پس از وفات مؤلف به دست عزت علی پاشا افتاده، پس از مرگ وی به کتابخانه خزینة همایون رسیده است.^{۲۸}
- ۲۳- گزیده نوادر تاریخ و طبقات، جز نام کتاب اطلاعی دیگر به دست نگارنده نیامد.^{۲۹}
- ۲۴- کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، اساسی‌ترین کتاب کاتب چلبی در زمینه کتابشناسی همین کتاب است. در این تألیف، کتاب مفتاح السعادة و نوادر الاخبار فی مناقب الاخیار طاشکپری زاده الهام بخش کاتب چلبی بوده است. خود در پایان رساله ترکی خود، میزان الحق فی اختیار الاحق می‌نویسد که در اثنای اقامت در حلب در دکآن وراقی کتب ایشان ملاحظه شد و شعور ضبط کتب به الهام الهی بر دلم افتاد. اما آنچه کاتب چلبی آن را الهام الهی می‌نامد، تنها این بوده است که اسامی کتب را به ترتیب الفبایی مرتب کند. هیچکس پیش از وی نام کتب را به ترتیب الفبایی مرتب نکرده، تاریخ وفات مؤلفان را نیفزوده، ابواب و فصول هر کتابی را مشخص نساخته و جمله آغاز هر کتابی را ثبت نکرده است.
- در کتاب کشف الظنون قریب ۱۵ هزار نام کتاب و رساله درج شده و در حدود

۱۰ هزار نام مؤلف و شارح آمده و مشخصات بیش از ۳۰۰ علم نیز در آن قید شده است. خود می‌نویسد:

اسمای کتب را تا این روزگار دیدم و مطالعه کردم. نام کتب را از کتب تواریخ و طبقات برداشتم و آنها را در محلّ خود ثبت کردم. کتابهایی را که در کتابخانه‌های شخصی بود و از دست کتابفروشان به دست دیگران می‌رسید، نام همه را مرتب کردم و به ترتیب در محلّ ضروری آنها قرار دادم و آن را *کشف الظنون عن اسامی الکتب و الفنون* نامیدم. علمایی که مسوّدۀ کتاب را دیده بودند، خواستند که آن را به بیاض آورم. از این رو آن را تا حرف (ح) به بیاض آوردم. علما دیدند و پسندیدند. نسخه‌یی که کاتب چلبی می‌گوید که آن را تا حرف (ح) پاکنویس کرده است، بعدها آن را تا حرف (د) به بیاض رسانده است، نسخه خطی آن به شماره ۲۰۵۹ در توپقاپو سرای استانبول محفوظ است.

عمر وفا نکرده است که کاتب چلبی بقیۀ نسخه را پاکنویس کند، این بقیۀ به صورت مسوّدۀ باقی مانده است و نسخه آن در کتابخانه جارالله افندی در استانبول نگهداری می‌شود. این دو نسخه ناقص یکی به صورت بیاض و دیگری در حالت مسوّدۀ، خوشبختانه کشف الظنونی کامل است به خطّ کاتب چلبی.

نسخۀ کتابخانه جارالله افندی به شماره ۱۶۱۹ و به ابعاد ۳۹×۱۳ سانتی‌متر است. این مسوّدۀ از صفحه ۵۲ آغاز می‌شود و در صفحه ۲۲۲ به پایان می‌رسد. تقریباً در میانه سطور همه صفحات این نسخه، مؤلف بعدها مطالبی افزوده است که خواندن آنها بسیار مشکل است. باید افزود که از صفحه ۱۱۵ این نسخه چهار برگ مربوط به علم فقه افتادگی داشت. خوشبختانه این چهار برگ بعدها در میان کتابهای مرحوم اسماعیل صائب سنجر به دست آمده است.

کشف الظنون به دو دلیل به زبان عربی نوشته شده است: نخست آنکه اکثر اسامی کتب و مؤلفان آنها به زبان عربی است، دیگر آنکه زبان عربی در آن زمان هم زبان علمی تلقی می‌شد. بعضی به عربی دانی کاتب چلبی ایرادها گرفته‌اند. شرف‌الدین یالت قایا، در پایان مقاله خود به برخی از آنها اشاره کرده است:

به جای	العلم الالهی	نوشته است:	علم الالهی
به جای	فیض المنان	نوشته است:	الفیض المنان
به جای	ثلاث نسخ	نوشته است:	ثلاثة نسخ
به جای	مائة فنّ	نوشته است:	مائة فنون

کتاب حاجی خلیفه در مورد کتابهای ایرانی و فارسی هم از منابع عمده و موثق بوده است. مثلاً مرحوم استاد دکتر ذبیح الله صفا در کتاب ارزنده خود تاریخ ادبیات در ایران، مطابق فهرست اسمای خاص که مراجعه کردم، ۱۲۲ بار به کشف الظنون اشاره کرده و از مطالب آن نقل کرده است.^{۳۰}

بر کشف الظنون ذیلهایی هم افزوده اند: ویشنه زاده محمد عزّتی (م ۱۰۹۲ هـ) ملحقاتی بر کشف الظنون افزوده است که به صورت خطّی باقی مانده^{۳۱} حنیف زاده احمد طاهر افندی (م ۱۲۱۷ هـ) ۵۰۶ کتاب بر آن افزوده که گوستا و فلوگل آن را چاپ کرده است^{۳۲}. ازابه حبیلر شیخی ابراهیم افندی (م ۱۱۸۶ هـ) ذیلی بر آن نوشته که در چاپخانه سعادت به طبع رسیده است.^{۳۳} شیخ الاسلام عارف حکمت بگ هم ذیلی دارد^{۳۴}. مهم ترین ذیل آن از اسماعیل پاشا بغدادی است به نام *ایضاح المکنون فی الدلیل علی کشف الظنون* که قریب هیجده هزار و اندی کتاب را در مدّت سی سال بر کشف الظنون افزوده است. این اسماعیل پاشا درباره اسمای موجود در کشف الظنون نیز کتابی به نام *هدیه العارفین* بر این کتاب علاوه کرده است. اسماعیل پاشا در سال ۱۹۲۰ در گذشته است.

کشف الظنون با ترجمه آلمانی که به وسیله گوستا و فلوگل (Gustavl. Flugel) در لایپزیک فراهم شده، به سال ۱۸۳۵ در لندن به چاپ رسید^{۳۵}. وزارت معارف ترکیه در سالهای ۱۹۴۱-۱۹۵۱، کشف الظنون، *ایضاح المکنون* و *هدیه العارفین* را در شش جلد به چاپ رسانده است. این چاپ در بعضی از کشورهای عربی به صورت افست به چاپ رسیده است.

پانوشته‌ها:

- ۱- الفهرست، ابن الندیم، ترجمه رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶، مقدمه، ص بیست و سه و بعد.
- ۲- دایرةالمعارف مصاحب، جلد ۱، ص ۱۶.
- ۳- احصاءالعلوم، فارابی، ترجمه حسین خدیوچم، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۸، مقدمه.
- ۴- چهار مقاله، نظامی عروضی، به تصحیح مرحوم قزوینی و تصحیح مجدد مرحوم معین، تهران، زوار، ۱۳۳۳، حاشیه صفحه ۴۲- درباره آل محتاج.
- ۵- رسائل اخوان الصفا و خلان الوفا، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۵ ه.ق، جلد ۱، مقدمه بطرس البستانی؛ گزیده متن رسائل اخوان الصفا، دکتر علی اصغر حلبی، تهران، زوار، ۱۳۶۰، مقدمه.
- ۶- فهرست نسخ خطی فارسی، احمد منزوی، جلد ۱، ص ۶۸۳ با گزیده متن رسائل، پیشین، مقدمه.
- ۷- مقدمه کشف الظنون، دایرةالمعارف مصاحب، جلد ۲، ص ۹۲۰.
- ۸- احصاءالعلوم، مقدمه، ص ۱۲.
- ۹- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، تهران، مؤسسه فرهنگی منطقه‌یی، ۱۳۴۸، جلد ۱، ص ۶۵۶ و بعد.
- ۱۰- همان کتاب، ص ۶۹۴.
- ۱۱- نزهةالقلوب، حمدالله مستوفی، مقدمه گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- ۱۲- دایرةالمعارف مصاحب، جلد ۲، ص ۹۷۲.
- ۱۳- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، جلد ۱، ص ۶۹۱.
- ۱۴- احصاءالعلوم، مقدمه، ص ۱۲، باکشف الظنون، بند ۶۶.
- ۱۵- مقدمه احصاءالعلوم، ص ۱۲.
- ۱۶- همان کتاب، همان صفحه.
- ۱۷- کشف الظنون، بند ۲، ۱۹۰۵.
- ۱۸- عثمانلی مؤلفری، محمد طاهر بروسه‌لی، جلد ۲، ص ۱۱.
- ۱۹- کشف الظنون، بند ۱، ۱۸.
- ۲۰- کشف الظنون، بند ۹؛ عثمانلی مؤلفری، ص ۳۴۶-۳۴۷.
- ۲۱- عثمانلی مؤلفری، جلد ۲، ص ۲۳.
- ۲۲- در این بخش از کتب زیر استفاده شده است:

Encyclopaedia of Islam, 1978, V, pp. 760-762; Islam Ansiklopedisi, 6, s.432-438; Resimli Türk Edebiyatı Tarihi; Nihad Sami Banarlı, M.E.B.Basimevi, İst., 1976, IRe.682-688; Eesimli Motifli Türk Edebiyatı, Tarihi, Seyit Kemal Karaalioglu, İst., 1973, I, 753-756; Katip celebi, Orhan Saik Gokyay, 1982;

عثمانلی مؤلفلری، بروسه‌لی محمد طاهر جلد ۳، استانبول، مطبعه عامره، ۱۳۴۲ ه.ق. ص ۱۲۴-۱۳۱.

۲۳- این قاضی‌زاده باید قاضی‌زاده محمد افندی بالیکسری باشد که در ۱۰۴۵ ه در گذشته است. (عثمانلی مؤلفلری، جلد ۳، ص ۴۰۲)

۲۴- خلیفه در ترکی «قلقه» و در ترکی امروز Kalfa تلفظ می‌شود و به معنی مباشر ساختمان، لله و سرکاتب به کار می‌رود. (قاموس ترکی، ص ۱۰۷۹؛ فرهنگ ترکی - فارسی، ص ۱۷۱)

۲۵- جنّابی، مصطفی جنّابی افندی از مورّخان عثمانی و از مردم آماسیه است. جنّابی در سال ۹۹۹ ه در حلب در گذشته است. از آثار او علم الزّخرافی احوال الاوائل والاواخر را می‌توان نام برد. (عثمانلی مؤلفلری، جلد ۳، ص ۳۹ و بعد)

۲۶- فرانک بابینگر از خاورشناسان آلمانی زبان که در نسخ خطی ترکی کارهایی ارائه کرده است. 27- Islam Ans., 6, s.438; Katip celebi, s.19.

۲۸- عثمانلی مؤلفلری، جلد ۳، ص ۱۳۰-۱۳۱.

۲۹- همان کتاب، ص ۱۳۱.

۳۰- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، ج ۱-۵ بخش ۳، فهرست اعلام.

۳۱- عثمانلی مؤلفلری، جلد ۲، ص ۴۸۰.

۳۲- مقدمه کشف الظنون.

۳۳- عثمانلی مؤلفلری، جلد ۱، ص ۲۴۰.

۳۴- همان، جلد ۲، ص ۳۲۷.

۳۵- فهرست کتابهای چاپی عربی، خانابامشار، بند ۷۴۰؛ فرهنگ کامل خاورشناسان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه شکرالله خاکرند، قم، ۱۳۷۵، صص ۲۵۷-۲۶۱.

منابع:

- ۱- احصاء العلوم، ابونصر محمد بن محمد فارابی، ترجمه حسین خدیوچم، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۴۸.
 - ۲- تاریخ ادبیات در ایران، دکتر ذبیح‌الله صفا، جلد ۱-۵، تهران، ۱۳۴۲-۱۳۷۰.
 - ۳- چهارمقاله، نظامی عروضی سمرقندی، به تصحیح مرحوم قزوینی و تصحیح مجدد مرحوم معین، تهران، زوار، ۱۳۳۳.
 - ۴- دایرةالمعارف فارسی، مرحوم غلامحسین مصاحب، جلد ۱-۳، ۱۳۴۵-۱۳۷۴.
 - ۵- رسائل اخوانالصفاء، مکتب الاعلام الاسلامی، قم، ۱۴۰۵ ه.ق، جلد ۱.
 - عثمانلی مؤلفعلری، بروسلی محمد طاهر، استانبول، مطبعة عامره، ۱۳۴۲ ه.ق، جلد ۱-۳.
 - ۶- فرهنگ ترکی - فارسی، ابراهیم اولغون - جمشید درخشان، تهران، بنیاد فرهنگ، ۱۳۵۰.
 - ۷- فرهنگ کامل خاورشناسان، عبدالرحمن بدوی، ترجمه شکرالله خاکرند، قم، ۱۳۷۵.
 - ۸- الفهرست، ابن الندیم، ترجمه رضا تجدد، تهران، ۱۳۴۶.
 - ۹- فهرست کتابهای چاپی عربی، مرحوم خانبابامشار، تهران، چاپ رنگین، ۱۳۴۴.
 - ۱۰- فهرست نسخه‌های خطی فارسی، احمد منزوی، موسسه فرهنگی منطقه‌یی، تهران، ۱۳۴۸، ج ۱.
 - ۱۱- قاموس ترکی، شمس‌الدین سامی، استانبول، مطبعة عامره، ۱۳۱۷.
 - ۱۲- کشف الظنون عن اسامی الکتب والفنون، حاجی خلیفه، معارف استانبول ۱۹۴۱-۱۹۵۱.
 - ۱۳- گزیده متن رسائل اخوانالصفاء، دکتر علی اصغر حلبی، تهران، زوار، ۱۳۶۰.
 - ۱۴- نزهة القلوب، حمدالله مستوفی قزوینی، به کوشش گای لسترنج، تهران، دنیای کتاب، ۱۳۶۲.
- 15- Encyclopaedia of Islam, IVV, 1978.
 - 16- Islam Ansiklopedisi, M.E.B. Yanynevi, Ist., 1976.
 - 17- Katip celebi, Orhan Saik Gokyay, Ankara, 1982.
 - 18- Resimli Türk Edebiyat, Tarihi Nihad Sami Banarli, M.E.B.Basimevi, Ist., 1976.
 - 19- Resimli ve motifli Turk Edebiyati Tarihi, Seyit Kemal Karaalioglu, Ist, 1973.